

مقدار معتبر در شیردهی برای نشر حرمت

بحث در اشتراط حیات شیرده در نشر حرمت با رضاع است. گفتیم معروف بین فقهاء این است که زنده بودن زن شیرده شرط است و شیرخوردن از زن مرده، موجب نشر حرمت نیست. اولین قائلین به اشتراط، اجماع بود که گفتیم در مساله اجماع تبعدی محرز نیست. دومین دلیل تمسک به اصل بود که گفتیم این اصل ممکن است مراد اطلاق و عمومات حلیت ازدواج با زنان باشد و ممکن است مراد اصل عملی باشد. مرحوم آقای خویی در رد تمسک به اطلاق و عمومات حلیت ازدواج با زنان گفتند با وجود آیه شریفه‌ای که بر حرمت ازدواج با مادر و خواهران رضاعی دلالت دارد و اطلاق رضاع جایی برای تمسک به این اصل باقی نمی‌ماند.

ما قبلاً گفتیم روایات «يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ مَا يَحْرُمُ مِنَ النَّسَبِ» نسبت به شرایط رضاع اطلاق ندارند و اصلاً در مقام بیان شرایط رضاع نیستند بلکه در مقام بیان عموم سببیت رضاع است به این معنا که هر آنچه در فرض نسب حرام است، رضاع هم موجب حرمت همان عنوان است. علاوه در «الرَّضَاعِ» مذکور در این روایات دو احتمال وجود دارد. یکی به لحاظ مرتضع و شیرخواری است و دیگری به لحاظ مرتضع و شیردهی. اگر به حساب شیردهی باشد در مواردی که زن مرده است شیر دادن صدق نمی‌کند.

اما در مورد آیه شریفه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ» عنوان ارضاع ذکر شده است و در مورد زن مرده، شیردهی و ارضاع صدق نمی‌کند در مفهوم ارضاع، استناد فعل شرط است و در استناد هر چند اختیار شرط نیست اما در محل بحث ما بر زنی که مرده است صدق نمی‌کند که شیر داده است. همچنین آیه شریفه نسبت به خواهران هم اطلاق ندارد چون اطلاق خواهر در آنها بر اساس صدق مادر بر مادر آنهاست و گرنه آنها هم خواهر محسوب نمی‌شوند بنابراین از این آیه شریفه استفاده می‌شود که شیردهی باید مستند به زن باشد.

بلکه حتی صرف استناد هم کفایت نمی‌کند چون مفاد آیه شریفه این است که مادران شیرده شما و صرف چند بار شیر دادن با قطع نظر از تعبد شرعی موجب نمی‌شود که از نظر عرف مادر رضاعی محسوب شود. متفاهم عرفی از مادر رضاعی کسی است که وظیفه شیردهی را انجام داده است و بعید نیست دو سه ماه در صدق این عنوان در نظر عرف شرط باشد و موکد آن هم این است که در برخی روایات گفته شده است زن باید یک سال شیر بدهد تا مادر رضاعی محسوب شود. در روایات متعددی که مفتی به فقهاء است گفته شده که رضاع محرم به مقداری است که گوشت برویاند و استخوان را محکم کند و صاحب وسائل بابی را به این عنوان اختصاص داده است: «بَابُ أَنَّهُ لَا يَنْشُرُ الْحُرْمَةَ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ شَدَّ الْعَظْمَ» و در آن روایات متعددی که سند برخی از آنها صحیح است ذکر کرده است مثل:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَ الدَّمَّ.

وَعَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَشَّاءِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَشَدَّ الْعَظْمَ.

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَ أَوْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا رَضَعَ الْغُلَامُ مِنْ نِسَاءِ شَتَّى وَكَانَ ذَلِكَ عِدَّةً أَوْ نَبَتَ لَحْمُهُ وَدَمُهُ عَلَيْهِ حَرَمَ عَلَيْهِ بَنَاتِهِنَّ كُلَّهِنَّ.

(وسائل الشيعة، جلد ۲۰، صفحه ۳۸۲)

و در غیر این باب هم روایات دیگری در این مضمون نقل شده است:

الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَابٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قُلْتُ مَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ قَالَ مَا أَنْبَتَ اللَّحْمَ وَشَدَّ الْعَظْمَ قُلْتُ فَيُحْرَمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ قَالَ لَا لِأَنَّهَا لَا تُنْبِتُ اللَّحْمَ وَلَا تَشُدُّ الْعَظْمَ عَشْرُ رَضَعَاتٍ.

از این روایت استفاده می‌شود که ملاک انبات اللحم و شد العظم است.

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ لَا يُحْرَمَنَّ شَيْئاً.

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَخُوَيْهِ عَنْ أَبِيهِمْ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ لَا تُحْرَمَنَّ.

(تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۳۱۳)

عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ أَوْ غَيْرِهِ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ خَمْسَ عَشْرَةَ رَضَعَةً لَا تُحْرَمَنَّ. (تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۳۱۴)

رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنِ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادِ الْعَبْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا يُحْرَمُ الرَّضَاعُ إِلَّا مَا شَدَّ الْعَظْمَ وَأَنْبَتَ اللَّحْمَ فَأَمَّا الرَّضَعَةُ وَالثَّنَتَانِ وَالثَّلَاثُ حَتَّى بَلَغَ الْعَشْرَ إِذَا كُنَّ مُتَفَرِّقَاتٍ فَلَا بَأْسَ. (تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۳۱۴)

برخی دیگر از روایات هستند که در آنها حتی این ضابطه هم ذکر نشده است بلکه در آنها مدت زمان یک سال یا دو سال بیان شده است:

الْعَلَاءُ بْنُ رَزِينٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ فَقَالَ لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا ارْتَضَعَ مِنْ تَدْيٍ وَاحِدٍ سَنَةً. (تهذیب الاحکام، جلد ۷، صفحه ۳۱۸)

رَوَى عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّضَاعِ فَقَالَ لَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا ارْتَضَعَ مِنْ تَدْيٍ وَاحِدٍ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۴۷۷)

رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ زُرَّارَةَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ لَا يَحْرُمُ مِنَ الرَّضَاعِ إِلَّا مَا كَانَ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ (من لايحضره الفقيه، جلد ۳، صفحه ۴۷۷)

با وجود چنین روایاتی جایی برای تمسک به اطلاق آیه شریفه «وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّائِي أَرْضَعْنَكُمْ» باقی نمی ماند.

اما از طرف دیگر روایات متعددی هستند که در آنها تصریح شده است که پانزده مرتبه شیر خوردن موجب نشر حرمت می شود:

مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنِ عَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَاطِيِّ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ عَنْ زِيَادِ بْنِ سُوقَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع هَلْ لِلرَّضَاعِ حَدٌّ يُؤْخَذُ بِهِ فَقَالَ لَا يُحْرَمُ الرَّضَاعُ أَقَلَّ مِنْ رَضَاعِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ أَوْ خَمْسَ عَشْرَةَ رَضَعَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ مِنْ امْرَأَةٍ وَاحِدَةٍ مِنْ لَبَنِ فَحَلٍ وَاحِدٍ لَمْ يَفْصِلْ بَيْنَهَا رَضَعَهُ امْرَأَةٌ غَيْرَهَا وَ لَوْ أَنَّ امْرَأَةً أَرْضَعَتْ غُلَامًا أَوْ جَارِيَةً عَشْرَ رَضَعَاتٍ مِنْ لَبَنِ فَحَلٍ وَاحِدٍ وَ أَرْضَعَتْهَا امْرَأَةٌ أُخْرَى مِنْ لَبَنِ فَحَلٍ آخَرَ عَشْرَ رَضَعَاتٍ لَمْ يُحْرَمْ نِكَاحُهُمَا. (تهذيب الاحكام، جلد ۷، صفحه ۳۱۵)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ عَنْ عُبَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ كَبِيرٍ فَرُبَّمَا كَانَ الْفَرْخُ وَ الْحَزْنُ الَّذِي يَجْتَمِعُ فِيهِ الرَّجَالُ وَ النِّسَاءُ فَرُبَّمَا اسْتَحْيَتِ الْمَرْأَةُ أَنْ تَكْشِفَ رَأْسَهَا عِنْدَ الرَّجُلِ الَّذِي بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ الرَّضَاعُ وَ رَبَّمَا اسْتَحَفَّ الرَّجُلُ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى ذَلِكَ فَمَا الَّذِي يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ فَقَالَ مَا أَنْبَتِ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ فَقُلْتُ وَ مَا الَّذِي يُنْبِتُ اللَّحْمَ وَ الدَّمَ فَقَالَ كَانَ يُقَالُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ قُلْتُ فَهَلْ يُحْرَمُ عَشْرُ رَضَعَاتٍ فَقَالَ دَعْ ذَا وَ قَالَ مَا يُحْرَمُ مِنَ النَّسَبِ فَهُوَ مَا يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعِ. (الكافي، جلد ۵، صفحه ۴۳۹)

روایت تقریبا صریح در تقیه است و احتمال زیاد به خاطر روایت عایشه است که خود آن روایت دلیل بر این است که عایشه به تحریف قرآن به نقیصه معتقد بوده است.

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى. قَالَ: قَرَأْتُ عَلَى مَالِكٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ، عَنْ عَمْرَةَ، عَنْ عَائِشَةَ؛ أَنَّهَا قَالَتْ: كَانَ فِيمَا أَنْزَلَ مِنَ الْقُرْآنِ: عَشْرُ رَضَعَاتٍ مَعْلُومَاتٍ يُحْرَمْنَ. ثُمَّ نُسِخْنَ: بِخَمْسِ مَعْلُومَاتٍ. فَتَوَفَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ وَ هُنَّ فِيمَا يُفْرَأُ مِنَ الْقُرْآنِ (صحيح مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۰۷۵)

حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْلَمَةَ الْقَعْنَبِيُّ. حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ بِلَالٍ عَنْ يَحْيَى (وَ هُوَ ابْنُ سَعِيدٍ) عَنْ عَمْرَةَ؛ أَنَّهَا سَمِعَتْ عَائِشَةَ تَقُولُ (وَ هِيَ تَذَكُرُ الَّذِي يُحْرَمُ مِنَ الرَّضَاعَةِ) قَالَتْ عَمْرَةَ: فَقَالَتْ عَائِشَةُ: نَزَلَ فِي الْقُرْآنِ: عَشْرُ رَضَعَاتٍ مَعْلُومَاتٍ. ثُمَّ نَزَلَ أَيْضًا: خَمْسُ مَعْلُومَاتٍ

وَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْمُثَنَّى. حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَهَّابِ. قَالَ: سَمِعْتُ يَحْيَى بْنَ سَعِيدٍ قَالَ: أَخْبَرْتَنِي عَمْرَةَ؛ أَنَّهَا سَمِعَتْ عَائِشَةَ تَقُولُ. بِمِثْلِهِ.

(صحيح مسلم، جلد ۲، صفحه ۱۰۷۵)

البته مرحوم صدوق در مقنع طوری بیان کرده‌اند که حد انبات لحم و شد عظم، پانزده مرتبه شیرخوردن است (المقنع صفحه ۳۲۹) ولی این اجتهاد صدوق است و در هیچ روایتی این نیامده است.

سوالی که پیش می‌آید این است که نشر حرمت با پانزده مرتبه جزو مسلمات فقه شیعه است و این روایات هم قطعی است. بین این روایات چطور می‌توان جمع کرد؟

یک راه جمع این است که بگوییم این روایات تقیه‌ای صادر شده‌اند و روایات نشر حرمت با پانزده مرتبه چون مفتی به فقهاء است حجتند.

اما به نظر ما حمل این روایات بر تقیه جا ندارد. به نظر ما می‌توان بین این روایات این طور جمع کرد که نشر حرمت چهار ضابطه دارد: یکی پانزده مرتبه شیردادن پیاپی است به نحوی که اطعام و تغذیه دیگری بین آنها متخلل نشود. و دیگری اینکه زن مدت زیادی به بچه شیر بدهد اگر چه بین آنها غذا و چیزهای دیگری متخلل بشود به نحوی که مادر رضاعی محسوب شود و سومین ضابطه اینکه یک شبانه روز شیر بخورد و چهارمین ضابطه اینکه مقداری شیر بخورد که موجب روییدن گوشت و محکم شدن استخوان بشود. البته پانزده مرتبه شیر خوردن یا یک شبانه روز شیر خوردن با همین شرایطی که ما گفتیم عرفاً مادر رضاعی محسوب نمی‌شود بلکه حتی شیر خوردن به مقداری که موجب انبات لحم و شد عظم هم بشود موجب صدق مادر رضاعی نیست. روایات هم نگفته‌اند در این موارد زن با این مقدار مادر رضاعی می‌شود بلکه این مقدار شیر خوردن هم موجب محرمیت می‌شود هر چند مادر رضاعی صدق نمی‌کند. پس سنت بر نشر حرمت با سه ضابطه دلالت دارند و حرمت مادر رضاعی به دلالت قرآن ثابت است و ضابطه عرفی مادر رضاعی این است که تمام مقداری که مادر به بچه شیر می‌دهد یا زمان قابل توجهی مثلاً شش ماه وظیفه شیردهی را انجام بدهد.